

بررسی جایگاه حقوق تربیتی کودک در فقه و قانون مدنی^۱

جواد سرخوش *

سمیه نایان **

چکیده

یکی از حقوق کودکان، فراهم‌نمودن زمینه تربیت صحیح آن‌ها و به عبارتی حقوق تربیتی آن‌هاست. در قوانین ایران به رغم پیشرفت‌های حقوق مادی و کیفری اطفال، همچنان خلاءهای قابل توجهی در زمینه حقوق تربیتی کودک به چشم می‌خورد به طوری که قانون‌گذار تا قبل از تولد کودک، هیچ حق تربیتی برای جنین لحاظ نکرده و برای بعد از به دنیا آمدن او نیز صرفاً به دو ماده قانونی ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ بصورت مبهم و کوتاه بسنده نموده است. این در حالی است که دین اسلام هم حقوق تربیتی ویژه‌ای برای جنین (در سه مقطع قبل از ازدواج پدر و مادر، قبل از انعقاد نطفه و قبل از تولد) تشریح نموده است و هم برای بعد از تولد کودک نیز حقوق تربیتی فراوان و مخصوصی بیان داشته است، که جا دارد قانونگذاران برای تدوین قوانین حمایتی کودک از آن‌ها استفاده کنند.

کلید واژه‌ها: تربیت، حقوق کودک، قانون مدنی، فقه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴
* دانشجویار گروه فقه و مبانی اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)
j.Sarkhosh@alzara.ac.ir
** کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران sm.navian@gmail.com

۱- طرح مسأله

کودکی مرحله‌ای منحصر به فرد در دوره زندگی انسان است. بیشتر عادات زندگی انسان در دوران طفولیت مشخص می‌شود. در این مرحله از زندگی چگونگی سازگاری با محیط را فرا گرفته و بنای یک زندگی سالم و سعادت‌مند را پی‌ریزی می‌کند.

کودکان طی مراحل رشد خود که آمادگی حضور در جامعه را کسب می‌کنند، نیازهایی دارند که چنانچه به آن‌ها توجهی نشود، چه بسا زمینه بروز بسیاری از مشکلات در آینده گردیده و غیر قابل جبران باشند. هرچند این نیازها از حقوق کودک به شمار می‌رود، اما کودک در شرایطی نیست که از حقوق خود آگاه باشد.

حقوق کودک، حقوقی ذاتی است و باید محترم شمرده شود. به دلیل اهمیت این دوران در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک، آگاهی و حمایت از حقوق کودک در این مرحله از زندگی‌اش با اهمیت‌تر جلوه می‌کند.

برخی از حقوق کودکان، که همانا تکالیفی برای والدین محسوب می‌شوند، جنبه مادی دارند مانند: نفقه و سرپرستی اموال، اما برخی دیگر جنبه معنوی دارند مانند حضانت (که جنبه معنوی آن غلبه دارد) و همچنین تربیت.

خوشبختانه اکثر حقوق مادی کودکان جنبه قانونی یافته است و از ضمانت اجرایی و حمایت مراجع قضایی برخوردار می‌باشد، لیکن متأسفانه عمده حقوق تربیتی کودکان جنبه قانونی نداشته و صرفاً به عنوان گزاره‌هایی اخلاقی مطرح می‌شوند که مورد احترام جامعه هستند.

هدف از این تحقیق، بررسی حق تربیت کودک در قانون مدنی و فقه اسلامی است و پاسخگویی به برخی سؤالات، مدنظر این مطالعه است. در اینجا سؤالاتی مطرح می‌شود از جمله:

- جایگاه حقوق تربیتی کودک در قانون مدنی کجاست؟
- کاستی‌های این قانون در زمینه حقوق تربیتی کودکان چیست؟
- حقوق تربیتی کودک در فقه اسلامی چه جایگاهی دارد؟
- آیا از فقه تربیتی می‌توان در تدوین قوانین مدنی بهره گرفت؟

۲- مفهوم‌شناسی واژگان

۱-۲- مفهوم حق

برای ریشه حق، دو معنای اصلی ذکر شده است، یکی استحکام و استواری و دیگری موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۲۶۴، ۱۴۱۳).

برخی از معانی لغوی این واژه نیز به شرح زیر است: راستی، عدالت، ثابت و یقین که در آن جای تردید و انکار نباشد، شایسته و سزاوار، راستی در گفتار، مال، ملک و سلطنت، بهره و نصیب، امر صورت پذیرفته و انجام شده، دوراندیشی، مرگ، واقع (جبران مسعود، ۱۳۷۶، ۱، ۶۸۹) نقیض باطل (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۱۵-۱۷) گفتار حق و مطابق با واقع (مصطفی و زیات، ۱۴۲۹، ۱۸۷).

حق، در علوم گوناگون از جمله سیاست، اخلاق و حقوق بکار می‌رود، که در این مقاله به مفهوم اصطلاحی حق در علم حقوق پرداخته می‌شود.

حق در اصطلاح حقوقی "امتیاز و نفعی است متعلق به شخص، که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد" (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۳، ۴۴۲) و همچنین در ترمینولوژی حقوق، حق چنین تعریف شده است: توانایی که شخص بر کسی یا چیزی داشته باشد، اصل این است که هر حقی قابل انتقال به غیر و قابل اسقاط است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ۱۶۶۹).

۲-۲- مفهوم تربیت

واژه «تربیت» در لغت، مصدر باب تفعیل از ریشه «رَبَّب» می‌باشد. ابن منظور در لسان العرب آورده است: «تَرْبِيَةٌ وَأَرْبَبْتُ وَأَرْبَبْتُ وَرَبَّاهُ تَرْبِيَةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ وَ تَرْبَاهُ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ إِيْضًا». از کلام ابن منظور استفاده می‌شود «رَبِّي» در اصل «رَبَّب» و مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف حرف باء دوم تحویل و تبدیل به حرف عله یاء شده و در نهایت، مصدر آن به دلیل معتل بودن فعل «رَبِّي» بر وزن تفعله آمده است. (رَبَّب رَبِّي يَرْبِي تَرْبِيَةً) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱، ۴۰۱) و نیز تغییر تدریجی امری، به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳، ۳۳۶).

فرایند تربیت در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، علوم رایج، و امثال آن کاربرد دارد. هم چنین انسان، حیوان یا حتی گیاهان، هر کدام به اقتضای خود می‌تواند، تحت تربیت و پرورش قرار گیرد (مصطفوی، ۱۴۱۶، ۴، ۱۸).

بر این اساس تربیت به معنای پرورش دادن و استعدادهای درونی بالقوه را به فعلیت رساندن است (مطهری، بی تا، ۵).

در اصطلاح حقوقی، تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال آمده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۲، ۱۷۷).

۲-۳- مفهوم کودک

از نظر لغوی، کودک به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان، به کم‌سالی و خردسالی تعبیر شده است، بنابراین صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است (معین، ۱۳۶۳، ۲۱۴۸). معنی اشاره شده در زبان عربی تقریباً معادل مفهوم «طفل» است. طفل اگر در مورد انسان به کار رود به معنای شخصی است که دست و پای نازکی دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۴۲۹).

در اصطلاح حقوقی، همانطور که در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی بیان شده «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد» (زاهدی، ۱۳۹۲، ماده ۴۹). بلوغ شرعی نیز بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است (صفریگ زاده، ۱۳۸۹، ماده ۱۲۱۰).

در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک آمده است: «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳).

۳- بررسی فقهی و حقوقی تربیت کودکان

برخی از حقوقدانان معتقدند: «اصول حمایت از کودک را می‌توان از طریق ضمیمه کردن آن به قانون اساسی کشور، وارد معیارهای قانونی کشور کرد. قانون اساسی یک کشور در برگیرنده‌ی تمام اصول و قواعدی است که بر جامعه حکم‌فرماست و دستور بنیادینی است که شکل دولت را تعیین کرده و اصول

کلی قرارداد اجتماعی یک کشور را بیان می‌کند. قانون اساسی معیاری برای وضع قوانین عادی است، از این رو انتقال اصول حمایت از کودک در قانون اساسی یک کشور بستر لازم برای حمایت از کودکان را فراهم و تکالیف دولت را در این زمینه مشخص می‌کند» (زینالی، ۱۳۸۸، ۶۱) و چنان‌که از قبل اشاره شد عمده حقوق تربیتی کودکان در قوانین مدنی ما مبهم و فاقد ضمانت اجرایی است و بیشتر توصیه‌های اخلاقی محسوب می‌شوند نه قانون. البته قانون‌گذار در مواجهه با قوانین مبهم راه حلی ارائه نموده است. ماده‌ی ۳ آیین دادرسی مدنی تصریح می‌کند:

«قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر یا فصل خصومت نمایند در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعاو و صدور حکم امتناع ورزند» (شمس، ۱۳۸۰، ماده ۳).

با عنایت به ماده فوق‌الذکر در ادامه این نوشتار، موضوع تربیت در شریعت اسلامی و قوانین مدنی بررسی و مقایسه می‌گردد، تا ضمن آسیب‌شناسی حقوق تربیتی کودک در قوانین مدنی، امکان بهره‌برداری از فقه اسلامی برای تدوین قوانین تکمیلی فراهم گردد.

۳-۱- جایگاه حق تربیتی کودک در حقوق مدنی

شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای این که طرف و صاحب حق و تکلیف باشد، قانون‌گذار تعیین می‌کند که چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف و دارای شخصیت هستند (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۰، ۷-۶). ماده ۹۵۷ قانون مدنی صریحاً مقرر می‌دارد که «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود». بنابراین جنین را دارای نوعی شخصیت دانسته‌اند که می‌تواند صاحب حق باشد. مثلاً ممکن است به نفع او وصیت شود و بدین ترتیب حقی برای او ایجاد گردد (ماده ۸۵۱ قانون مدنی). همچنین مطابق قانون، حمل نیز ارث می‌برد (ماده ۸۷۵ قانون مدنی). بنابراین شخصیت جنین و حقی که برای او ایجاد می‌شود سست است و زمانی قطعی می‌شود که زنده به دنیا آید حتی اگر بلافاصله فوت کند. بررسی مواد مختلف قانون مدنی بیانگر آن است که از نظر مناسبات و روابط حقوقی، حمل به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر خود، مورد نظر مقنن قرار گرفته است و

از این جهت می‌توان شروع حیات را از زمان انعقاد نطفه یا حتی قبل از آن دانست. اهمیت شروع حیات از آن جهت است که مشخص می‌شود تکالیف والدین در خصوص تعلیم و تربیت کودک از چه زمانی آغاز خواهد شد.

با وجود اینکه قانون‌گذار، حقوق مادی حمل را محترم شمرده است، اما در قبال حقوق معنوی آن دخالت نداشته و سکوت اختیار کرده است. لذا اولین بحثی که در آسیب شناسی قوانین تربیتی مطرح می‌شود این است که حقوق تربیتی جنین مورد غفلت واقع شده و برای والدین هیچ تکلیف واجبی در نظر گرفته نشده است.

در قوانین مدنی در ارتباط با حقوق تربیتی نوزادان و کودکان، فقط دو قانون بطور مستقیم به حقوق تربیتی کودک پرداخته است و چند قانون هم غیر مستقیم بر آن تاثیرگذار می‌باشد.

دو ماده قانونی که به طور مستقیم به تربیت کودک اشاره دارند، عبارتند از، ماده (۱۱۰۴) و ماده (۱۱۷۸) قانون مدنی. ماده ۱۱۰۴ این قانون مقرر می‌دارد: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» و در ماده ۱۱۷۸ قانون مذکور آمده است: «ابوین مکلف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند». متأسفانه در قانون مذکور، عبارت «تربیت اطفال برحسب مقتضی» ابهام داشته و مراد از آن در کلام قانون‌گذار واضح نیست. همچنین مهمل نگذاشتن تربیت اطفال با هر نوع سمت و سو دادن اطفال قابل اجتماع است. پس روشن است که مراد قانون‌گذار از مهمل نگذاشتن هم نیاز به شفاف‌سازی دارد.

با عنایت به دو ماده مذکور می‌توان گفت که تربیت فرزند، وظیفه پدر و مادر است و والدین در عین حال که حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلفند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهايش به هدر نرود، جمع این دو قاعده آسان نیست زیرا گاه سلوک پدر و مادر به بیهودگی فرزند می‌انجامد و در تفسیر مهمل اختلاف می‌شود. در مقام تزامم حق و تکلیف پدر و مادر باید مصلحت طفل یعنی تکلیف آنان را مقدم دارند، حق ابوین محدود به تکلیف آنان است و تا جایی احترام دارد که مخالف با وظایف قانونی و نوعی پدران و مادران نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲، ۱۵۵).

به عبارتی متأسفانه علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده مبحث تربیت اطفال و وظیفه والدین در این خصوص، قانون مدنی صرفاً در این مواد بصورت مجمل و مبهم به مبحث تربیت اطفال پرداخته است. در دو ماده مذکور چند مورد مطرح است:

اولاً: وظایف والدین در این خصوص مشخص نگردیده است، ثانیاً: ضمانت اجرای تخلف والدین از این تکلیف مبهم است یعنی آیا در صورت عدم تربیت صحیح و همچنین اهمال‌ورزی والدین، آنان قابل تعقیب و مؤاخذه هستند یا خیر؟ ثالثاً: حدود توانایی و اندازه تربیت قابل ارزیابی دقیق نیست و یک امر نسبی می‌باشد و چه بسا ممکن است در حق کودک و تربیت وی اجحاف صورت گرفته باشد. رابعاً: در این مواد قانونی اشاره‌ای به قابلیت خود کودک نشده است.

عنوان می‌شود که والدین مکلف به تربیت کردن کودک هستند. حال مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا تربیت نکردن، تقصیر محسوب می‌گردد و ضمانت اجرایی برای تربیت کودک وجود دارد؟

جوهری در معنای تقصیر می‌نویسد: التَّقْصِيرُ فِي الْأَمْرِ: التَّوَانِي فِيهِ: یعنی تقصیر در کار و امری به معنای سستی ورزیدن در آن است (جوهری، بی‌تا، ۲، ۷۹۴). در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: تقصیر اعم از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی که این‌ها مصادیق تقصیرند. همچنان‌که مشاهده می‌شود در این تعریف، بی مبالاتی و بی احتیاطی نیز جای گرفته است.

مسلم است که تربیت ناصحیح، در رفتار و آینده کودک بسیار مؤثر است و ممکن است او را به سوی ارتکاب جرایم و قانون‌شکنی سوق دهد. لذا هرچند قانون مدنی و به تبع رویه نظام قضایی ایران در مورد مسئول شناختن والدین به سبب تربیت نکردن فرزند خود، ساکت است ولی به نظر می‌رسد که با توجه به حکم کلی ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران، بتوان عدم تربیت را تحت عنوان کلی تقصیر در نگهداری و مواظبت قرار داده و در نتیجه والدین را مسئول شناخت.

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران مقرر می‌دارد «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارد شده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارد شده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد».

بعضی از حقوقدانان ایران نیز با تفسیر موسع، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران را شامل "تقصیر در تربیت" هم می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲، ۱۸۸).

در هر صورت برای محدودیت‌هایی که مابه‌ازای مدوئی در نظام حقوقی ایران ندارند، بایستی با استفاده از منابع فقهی و حقوقی موجود، موضع حقوق ایران مشخص گردد. همچنانکه پیشتر در ماده‌ی ۳ آیین دادرسی مدنی، در مورد وظایف قضات در این گونه موارد به عرض رسید. در ادامه، موضوع فقه تربیتی کودک بررسی می‌گردد.

۳-۲- جایگاه حق تربیتی کودک در شریعت اسلامی

اهمیت حقوق تربیتی کودک در اسلام، به حدی است که اسلام برای تمامی مراحل تکوین و حیات او برنامه و دستورالعمل ارائه نموده است.

۳-۲-۱- حقوق تربیتی جنین قبل از انعقاد نطفه

از حقوق تربیتی جنین این است که در رحمی پاک قرار گیرد و از پدر و مادر سالم و صالح برخوردار باشد. لذا اولین وظیفه زن و مرد برای تولد یک فرزند، رعایت حق آن فرزند در داشتن پدر و مادر شایسته است که در نخستین گام با ازدواج قانونی و شرعی صورت می‌گیرد و در کانون مقدسی به نام خانواده تجلی می‌یابد.

تولد فرزند خارج از این دایره، اولین تعدی به حقوق کودک است که اسلام آن را نهی کرده است. کودکی که خود را محصول پیوندی بی‌هویت و غیرمقدس بداند در آینده دچار اختلال‌های عاطفی و رفتاری فراوان خواهد شد. (حیدری، ۱۳۹۶، ۶۸).

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ لَوْمَ سَاءَ مِیْلَادُهُ. هَر كَسٍ پَسْت بَاشَد، وَ لَدَتِّش نَاشِیْسْت بَوْدَه اَسْت» (آمدی، ۱۴۱۰، ۷).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْجَنَّةَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ: خَدَاوَنَد مَتَعَال، بَهِشْت رَا پَاك وَ پَاكِزَه أَفْرِیْد. اَز اِیْن رَو وَارَد اَن نَمِی‌شَوَد، مَكْر كَسِی كَه وَ لَدَتِّش پَاك بَاشَد» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۲، ۵۶۴).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إِذَا زَوَى الرَّجُلُ أَدْخَلَ الشَّيْطَانَ دُكْرَهُ فَعَمِلَا جَمِيعًا وَ كَانَتْ النَّطْفَةُ وَاحِدَةً، وَ خُلِقَ مِنْهُمَا الْوَلَدُ، وَ يَكُونُ شَرِكًا شَيْطَانٍ. وَ قَتَى مَرْد زَنَّا مِی كَنَد، شَیْطَان نَرِیْنَه‌اش رَا وَارَد مِی كَنَد وَ

هر دو با هم عمل می‌کنند؛ نطفه [ی آن‌ها] یکی می‌شود و فرزند از هر دو آفریده می‌گردد و همتای شیطان است» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ۶۰۲).

بنابراین طبق قوانین اسلامی هر کودکی حق دارد خود را متعلق به نهادی مقدس و قانونی بداند و گرنه از نظر فردی و اجتماعی دچار اختلالات فراوانی خواهد شد.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْتَحِ فِيمَا قَالَ، أَوْ قِيلَ لَهُ فَهُوَ لِعَبِّ رَشْدَهٗ، أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ. هَر كَسٍ از آنچه می‌گوید یا به او گفته می‌شود شرم نکند، یا فرزند ناپاکی است یا مادرش در حال ناپاکی به او باردار شده است» (جزری، ۱۴۰۹، ۲۸۱).

پس از تقید دختر و پسر در عدم انتخاب رابطه‌های غیر شرعی و بی هویت، مبحث مهم همسرگزینی آغاز می‌شود. باید توجه داشت که زن و شوهر از ارکان خانواده به‌شمار می‌روند و خانواده مهم‌ترین نقش را در تربیت فرزند ایفا می‌کند، از این رو، اگر همسران از لحاظ جسمی، افرادی سالم و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت یافته باشند به جدّ می‌توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند، سامان یافته و تضمین شده است.

برای برخورداری کودکان از سلامت جسمی و روانی، اسلام توصیه می‌کند که به هنگام ازدواج، هر یک از زوجین در صفات و خصوصیات روحی و جسمی طرف مقابل دقت کنند تا محصول زندگی مشترک، فرزندی سالم و صالح باشد.

امروزه از لحاظ علمی نقش پدر و مادر در انتقال صفات ظاهری و باطنی که از آن به عنوان «عامل وراثت» در تربیت کودک نام می‌برند، بر کسی پوشیده نیست.

قرآن کریم از زبان نوح (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پروردگارا، این مردم کافر و گمراه را از صفحه زمین برانداز، چرا که اگر آن‌ها را به حال خود واگذاری، از طرفی مایه گمراهی دیگران می‌شوند و از طرف دیگر، فرزندی که می‌آورند آلوده و پلید خواهند بود» (نوح، ۲۷-۲۶).

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) چنین آمده است:

«تزوَّجوا فی الحِجْزِ الصَّالِحِ فَانَّ العِرْقَ دَسَّاسَ. با خانواده شایسته ازدواج کنید که رگ و ریشه در فرزند

اثر می‌گذارد» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲، ۷۰۶).

العِرْقُ: اصلُ کلِّ شیءٍ؛ اصل هر چیزی (مصطفی و زیات، ۱۴۲۹، ۵۹۶) و الدَسُّ: ادخالُ الشَّیءِ فی

الشَّیءِ بِضَرْبٍ و مِنَّ الاِکْرَاهِ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳، ۳۱۴). مقصود از دَسَّاس بودن عِرْق، این است که اصل

و ریشه تاثیرگذار است و خصوصیات اخلاق والدین به فرزندان منتقل می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ. خوش اخلاقی، دلیل کرامت ریشه‌هاست» (آمدی، ۱۴۱۰، ۳۴۶).

از آنجا که جنین از صفات ظاهری و معنوی والدین بهره می‌برد و به خصوص مادران اصل و ریشه کودکان به شمار می‌آیند، انتخاب همسرانی شایسته می‌تواند گامی اساسی در تربیت فرزندان صالح و سالم در آینده باشد. انتخاب همسر از خانواده‌های بد نام یا همسرانی که از سلامت جسمی و روانی برخوردار نیستند نیز، می‌تواند تاثیرات سوء غیر قابل جبرانی در تربیت فرزندان داشته باشد.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) چنین آمده است: «إِيَاكَ وَ خُرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و ما خُرَاءَ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْءَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ؛ بر حذر باشید از آن گلی که در مزبله روئیده گفتند: یا رسول‌الله گلی که در مزبله روئیده چه گلی است؟ فرمود: زن با جمال که در خانواده‌ای پست بزرگ شده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۲).

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ؛ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ، وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ. از ازدواج با زن کم خرد بپرهیزید، چرا که همراهی او بلاست و فرزندانش تباه» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۴). امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَةِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَارُهُ لِوَالِدَتِهِ وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ. سه چیز برای فرزند بر عهده پدر است: مادر خوب برای او برگزیدن، نام نیک بر او نهادن و تلاش فراوان در تربیت او نمودن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵، ۳۴۲).

برای داشتن فرزندی سالم و با اخلاق باید قبل از تولد آن برنامه‌ریزی کرد. قوانین کشور نیز می‌تواند طوری تدوین گردد که برای افراد قبل از ازدواج و بچه‌دار شدن، آموزش و حضور در کلاس‌های مشاوره را اجباری کند تا بدین ترتیب کمک شایانی به احیای حقوق کودکان نماید.

۳-۲-۲- حقوق تربیتی کودک در زمان انعقاد نطفه

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که در تشکیل شخصیت فرد نقش دارد، توجه به نخستین مرحله رشد است، یعنی زمانی که نطفه در حال شکل گرفتن است. دین اسلام دستورات خاصی را در این زمینه بیان داشته است. اولین مسئله، رعایت تقوا و ترک محرّمات توسط پدر و مادر و پرهیز از غذای حرام در زمان

به وجود آمدن نطفه می‌باشد، باید توجه داشت که هرچند اثر غذای حلال و حرام در بعد مادی و فیزیکی یکسان است؛ اما آثار خوراکی‌ها منحصر به آثار فیزیولوژیک و مادی نیست.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا... وَشَارِكُكُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (ای

شیطان) برو! هر کس از آنان که از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست؛ کیفری فراوان... و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی...» (اسراء، ۶۳ و ۶۴).

از امام محمد باقر (علیه‌السلام) در مورد چگونگی شراکت شیطان در آیه «وَشَارِكُكُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (ای شیطان) و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی...» پرسیده شد؛ فرمودند: «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شَرِيكُ الشَّيْطَانِ وَ يَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حِينَ يَجَامِعُ فَيَكُونُ الْوَلَدُ مِنْ نُطْفَتِهِ وَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ حَرَامًا: آنچه از مال حرام باشد شیطان در آن شریک است. وقتی که شخص با همسر خویش نزدیکی می‌کند شیطان با او همراهی می‌کند و اگر مال از حرام باشد، قسمتی از فرزند از نطفه شیطان و قسمتی از نطفه خود شخص خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۷، ۳۴۲).

بدیهی است نطفه‌ای که با مشارکت شیطان منعقد شود، فرزندی به بار خواهد نشاند که گرایش او به گناه، بیشتر و تربیت او سخت‌تر است و راه رسیدن او به مدارج عالی اخلاقی طولانی‌تر خواهد بود. این تأثیر تا حدی است که در بزرگسالی نیز نشانه‌هایی آشکار در رفتار و کردار این گونه افراد دیده می‌شود.

امام صادق (علیه‌السلام) در مورد شراکت شیطان در رفتار آدمی (که محصول لقمه حرام است) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ مَا قِيلَ فِيهِ فَهُوَ شَرِيكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِ أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئًا فَهُوَ شَرِيكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ شَرِيكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ شَعَفَ بِمَحَبَّةِ الْحَرَامِ وَ شَهْوَةِ الزَّانَا فَهُوَ شَرِيكُ شَيْطَانٍ: کسی که پروایی ندارد که چه بگوید یا چه درباره‌اش بگویند، شراکت شیطان است و کسی که ابایی نداشته باشد از این که مردم او را در حال گناه ببینند، شراکت شیطان است و کسی که غیبت برادر مومنش را بکند بدون آن که بین آن‌ها نفرتی وجود داشته باشد، شراکت شیطان است و کسی که دلباخته محبت حرام و شهوت زنا است، شراکت شیطان است» (حویزی، ۱۴۱۵، ۳، ۱۸۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۵، ۳۴۴).

تغذیه حرام در زمان تشکیل نطفه و رشد جنین، تاثیرات غیر قابل انکاری پس از تولد کودک (از لحاظ رفتاری و شخصیتی) بر جای می‌گذارد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «كَسَبُ الْحَرَامِ بَيِّنٌ فِي الدَّرِيهِ. یعنی اثر مالی که از راه حرام بدست آمده در نسل آشکار می‌شود» (حرعاملی، ۱۷، ۱۴۱۶، ۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۶، ۲۱۹).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ وَلَا صَلَاةٌ رَحِمَ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَفْسُدُ فِيهِ الْفَرْجُ. هرگاه شخصی مالی از حرام به دست آورد نه حجی از او پذیرفته است و نه عمره‌ای و نه صله‌ی رحمی، تا جایی که حتی در ازدواج و زناشویی (و فرزنددار شدن) او تأثیر بد می‌گذارد و آن را فاسد می‌کند» (حرعاملی، ۱۷، ۱۴۱۶، ۹۱).

هر فرد از ترکیب دو سلول نر و ماده به وجود آمده و رشد می‌کند. هر سلول زنده، جزئی زنده از بدن هر فرد محسوب می‌شود که می‌تواند جدا شود و مستقل زندگی کند، این سلول تحت رفتار و اعمال فرد به وجود می‌آید و اگر نطفه‌ای از ترکیب سلولی ایجاد شود که از مواد اولیه حرام به وجود آمده باشد، اثرات زیانباری بر رشد، رفتار و شخصیت فرد در آینده خواهد گذاشت.

امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید: «يَا كَمِيلَ إِنَّ اللِّسَانَ يَبُوحُ مِنَ الْقَلْبِ وَ الْقَلْبُ يَقُومُ مِنَ الْغِذَاءِ فَأَنْظِرْ فِيمَا تَغْذِي قَلْبَكَ وَ جِسْمَكَ فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ مِنْ حَلَالٍ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَ لَا شُكْرَكَ!». ای کمیل همانا زبان از قلب نشات می‌گیرد و آن چه را در قلب است ظاهر می‌سازد و قوام قلب به غذاست، پس متوجه باش که قلب و جسم از چه تغذیه می‌کنند، اگر از حلال نباشد حق تعالی شکر و سپاست را نمی‌پذیرد» (نهج البلاغه، کلام ۴۴).

توجه داشته باشیم که ورود مال حرام و مشارکت شیطان در زندگی و نسل انسانی منحصر به مسیرهای شناخته شده نیست، بلکه با گستردگی و پیچیدگی مسائل اقتصادی جوامع امروزی و راه‌های شیطانی که برای کسب حرام وجود دارد، بسیاری از درآمدها بدون توجه و بی سر و صدا آلوده به انواع حرام می‌گردد. مال‌های حرامی که از طریق رانت‌خواری، رشوه‌گیری، تزییع بیت المال، ندادن حقوق واجب مالی از قبیل خمس و زکات، عمل نکردن به شروط و تعهدات ضمن عقد در معاملات، سرقت‌های فکری و نرم افزاری و نمونه‌هایی از حرام‌های رنگارنگی هستند که امروزه در جوامع شایع‌اند.

لذا هر فرد باید تمام دقت خود را صرف کند تا مبدا خواسته یا ناخواسته این اموال و کسب حرام وارد زندگیش گردد. قوانین کشور نیز باید طوری وضع گردد که عرصه را برای بهره‌برداری نامشروع و حرام خواری تنگ نماید.

۳-۲-۳- حقوق تربیتی کودک پس از بسته شدن نطفه

پس از بسته شدن نطفه نیز جنین از حقوقی برخوردار است و وظایفی بر عهده والدین قرار می‌گیرد که رعایت آن‌ها در ویژگی‌های تربیتی فرد ضروری است. مادر باید به این نکته توجه کند که موجود زنده ای را در خود پرورش می‌دهد که بر آن تاثیرگذار است. حوادث و وقایعی که برای مادر رخ می‌دهد بر وضعیت جنین اثرگذار است و جنین در این مرحله حساس‌تر از خود مادر می‌باشد.

بسیاری از مشکلاتی که برای جنین رخ می‌دهد در اثر تغییر حالات مادران و تأثیرات متقابل آن بر فضایی که جنین در آن قرار دارد می‌باشد. برخی از این عوامل مستقیماً جنین را در رحم مادر تحت تاثیر قرار می‌دهند و برخی نیز از طریق ایجاد اختلالات کروموزومی، به ناهنجاری‌های مادرزادی منجر می‌شوند. مرد و زن پس از طی دوره آموزش، باید صلاحیت بچه‌دار شدن و توانایی تربیت کودک را دارا باشند. نکته مهم اینکه پدر و مادر طفل، قبل از بچه‌دار شدن مطمئن باشند که به هیچگونه بیماری واگیردار و مسری مبتلا نیستند، چه بسا ممکن است با وجود بیماری، عدم آگاهی و سهل‌انگاری آنان کودک معلول و ناتوان متولد شود (کلینیک حقوقی ایران، بی‌تا).

مهم‌ترین زمان در دوران قبل از تولد، دوران بارداری است. اگر پدر و مادر جنین در دوران بارداری به وظایف خود به نحو صحیح عمل نمایند، با خسارات جبران‌ناپذیری بعد از تولد فرزند مواجه خواهیم شد، قوانین کشور باید طوری تدوین گردد که این مرحله مهم زندگی را در نظر گرفته و به کمک کودک بیاید و او را مورد حمایت جدی قرار دهد (کلینیک حقوقی ایران، بی‌تا).

سن مادر، مصرف مواد مخدر و داروهای شیمیایی، عدم تغذیه مناسب، مصرف الکل و مواد مخدر، اشعه ایکس، استرس و حالات هیجانی و ... از دیگر مواردی هستند که در تکامل جسمی و تربیتی جنین و در نتیجه کودکان موثر هستند.

همان‌طور که اشاره شد در قوانین مدنی هیچ اشاره‌ای به حقوق تربیتی کودک تا قبل از تولد نشده و قانون‌گذار رشد تربیتی کودک را به دوران پس از تولد موکول کرده است. البته جا دارد مراکز قانون‌گذاری به نحو مقتضی در این مبحث ورود نماید. به عنوان مثال، قانون مدنی در ماده ۱۱۹۹ نفقه اولاد را برای پس از دوران تولد در نظر گرفته است که نیاز به اصلاح دارد، چراکه برای جنین نیز باید هزینه‌های مربوط به نگهداری، تغذیه، مراجعه به مراکز مشاوره و درمانی را تضمین نمود تا قابل مطالبه باشد.

۳-۲-۴- حقوق تربیتی کودک پس از تولد

تربیت، مفهومی گسترده و متغیر دارد. مسلماً تربیت در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش مهمی ایفا می‌کند، حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. فرزند را بر پدر و پدر را بر فرزند حقی است. حق پدر بر فرزند این است که او را نام نیکو نهد و خوب تربیت کند و به او قرآن بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹).

در قرآن کریم آیه‌ی ۶ سوره‌ی تحریم بر مسئولیت تربیتی خانواده تأکید دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خود را حفظ کنید از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست».

از این آیه وجوب تربیت کودک بر والدین استنباط می‌شود. لذا واژه‌ی «وقی» به معنای بازداشتن و نگه داشتن از چیزی «وقیت الشیء» است (جزری، بی تا، ۵، ۲۱۷). هم‌چنین واژه‌ی «اهل» به معنای اهل بیت است و اصل در اهل بیت «قربت» است. پس اهل به معنی نزدیک‌ترین افراد به انسان است و بی شک اولاد را شامل می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱، ۱۲۸).

مفسران می‌گویند: انجام این دستور الهی، زمانی برآورده می‌شود که فرزندان به صورت صحیح تربیت شوند تا زمینه‌های انجام واجبات و ترک حرام‌ها را داشته باشند (مکارم، ۱۳۷۲، ۲۴، ۲۸۶). در آیه‌ای دیگر چنین آمده است:

«لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ. هیچ‌یک از پدر و مادر حق ندارند، به فرزند ضرر بزنند» (بقره / ۲۳۳).

بدون شک اگر پدر و مادر زمینه‌ی تعلیم و تربیت کودک خود را فراهم نکنند، به او ضرر زده‌اند و آیه‌ی شریفه همگان را از آن باز می‌دارد.

همچنین در آیه‌ای دیگر داریم:

«وَأْمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا. خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش»

(طه، ۱۳۲).

پس پدر، هم باید به نماز فرمان دهد و هم برای تربیت دینی کودک خود استوار و شکیبا باشد و خسته نشود.

روایات و سخنان زیادی از پیشوایان دین، درباره‌ی لزوم تربیت و آموزش کودکان وجود دارد. مردی دست فرزندش را گرفت و خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و گفت: ای رسول خدا! حق این فرزند بر من چیست؟ حضرت پاسخ فرمود:

«تَحَسَّنَ اسْمُهُ وَ أَدَبُهُ وَ ضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا. نامی نیکو برای او انتخاب کن و به طور شایسته او را تربیت نما و او را در مکان و جایگاه مناسبی قرار ده» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۴۸).

روایات فراوانی نیز داریم که کيفر کوتاهی والدین را در تربیت کودکانشان بیان می‌کنند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«يَلْزَمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَا هُمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا. همان‌گونه که گاه فرزند عاق والدین می‌شود، والدین نیز عاق فرزند خویش می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۲۱، ۴۸).

اگر پدر و مادر بخواهند، دچار نفرین فرزند نشوند، باید در تربیت و زمینه‌سازی سعادت وی کوشش نمایند و او را بر اساس برنامه و دستور الهی تربیت کنند.

انسان همچنان‌که در برابر خویش مسئول است و باید با همه وجود به خودکاو، خودشناسی، خودسازی و خودپروری بپردازد و بکوشد تا در پرتو جهاد با نفس خود را بسازد و به تعالی و خودشکوفایی برسد، همان‌گونه در برابر خانه، خانواده، همسر و فرزندان خود نیز مسئول است، تا راه رشد و کمال را بر روی آنان بگشاید و آنان را در راه اوج و ایمان و آراستگی به ارزش‌ها یاری کند و این از مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی اوست.

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَتَثْقِيفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ وَالسَّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حِدَائِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَالْمُدَارَاةُ لَهُ وَتَرَكَ مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّهُ أَدْنَى لِرُشْدِهِ. و اما حق کودک، مهربانی نمودن با او، پرورش او، آموزش او، گذشت و بخشیدن از او، پرده‌پوشی [بر عیوب] او، ملایمت با او و یاری کردن او و پوشاندن خطاهای کودکانه اوست، زیرا این طرز رفتار موجب توبه و بازگشت است - و مدارا با او و عدم تحریکش [با عیب‌جویی و خرده‌گیری]، که بی‌شک این برخورد به هدایت و رشد او نزدیک‌تر است» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰، ۳۷۴).

از این دست روایات بسیار نقل شده و در تشریح احکام اسلام قول، فعل و تقریر معصوم، حجت است. همین چند گزاره به دست می‌دهد که برای تضييع حقوق کودکان باید ممنوعیتی فقهی وضع شود؛ یعنی برای مثال اگر والدین مانع از سوادآموزی فرزندان شوند یا حتی اقدام به باسوادکردن فرزندان خود نکنند، بر اساس گفته پیامبر خاتم (صلی‌الله علیه و آله و سلم)، حق یک انسان دیگر و بنده‌ای دیگر از بندگان خدا را محقق نکرده‌اند. آیا این نافرمانی، امری معمولی و در فقه قابل مسامحه است؟ آیا کلام خدا و فرستاده او و اوصیای حقش، برای استخراج راه‌حل برای الزام به امر تربیت کافی نیست؟

مؤسس و رئیس مرکز پژوهش‌های دینی تطبیقی التجدید و عضو مجلس خبرگان رهبری حجت‌الاسلام والمسلمین مبلّغی عقیده دارد، وقتی که اسلام تربیت کودک را یک امر اساسی و مؤثر در پیدایش تکامل انسان به‌شمار می‌آورد یقیناً آن را به حال خود رها نکرده و این تربیت را هم صرفاً به دست والدین نسپرده است و دیگران را از داشتن رفتارهای مسؤولانه و سازنده نسبت به کودک سلب نکرده و به دور نگه نداشته است. فقه ما باید در زمینه تربیت کودک ابوابی را مطرح کند. باید در فقه بابی برای حمایت از کودکان باز شود و نیازهای جدید کودکان و حمایت‌های پیچیده‌ای که کودکان به آن نیاز دارند را مورد کنکاش قرار دهد؛ باید این مسأله در فقه مورد بررسی قرار گیرد، مسائل مستحدثه کودکان مطرح شود و با یک نگاه حقوقی و فقهی نوعی نگاه حمایتی از کودکان را به جامعه ارائه دهیم؛ متأسفانه خلاً این مسأله در فقه زیاد احساس می‌شود (مبلّغی، ۱۳۹۵).

۴- نتیجه‌گیری

حقوق پیش‌بینی شده برای کودک و نیز تکالیفی که برای حمایت از او بر عهده والدین و جوامع گذاشته شده است، هدفی جز پاسداشت "کرامت انسانی" که با رشد موزون جسمانی، روانی و تربیتی او رابطه تنگاتنگ دارد، دنبال نمی‌کند.

بخش مهمی از فعالیت‌های رسمی جوامع از طریق سیاست‌های تقنینی قانون‌گذاران، متبلور می‌شود. به همین دلیل رویکرد آسیب‌شناسانه به سیاست تقنینی ایران در زمینه تکالیف تربیتی والدین، باید به عنوان راهبرد کلی پیشگیری از انحرافات تربیتی کودکان، مورد توجه قرار گیرد.

بی‌تردید، حقوق و تکالیف کودکان و وظایف حمایتی دولت‌ها در قبال آنان، زمانی قابل مطالبه و اعمال است که در چارچوب قانون‌گذاری و رویه‌های قضایی و اداری، قاعده‌مند و ضابطه‌مند شوند. متأسفانه علی‌رغم اهمیت نقش والدین در تربیت کودک، قانون‌گذار چندان توجهی به این وظیفه مهم و اساسی والدین ننموده است. بطوری که به حقوق تربیتی کودک تا قبل از تولد اصلاً توجه نکرده و حقوق او را صرفاً مادی در نظر گرفته و برای تبیین حقوق تربیتی کودک بعد از تولد نیز صرفاً به دو ماده مبهم و مجمل بسنده کرده است. لذا لازم است با تجدیدنظر جدی در مبحث وظایف والدین در تربیت کودک در قانون مدنی، وظایف و تکالیف زوجین در این خصوص بصورت دقیق احصاء گردیده و ضمانت اجرای تخلف از این تکالیف و وظایف نیز بصورت دقیق از نظر کیفری و حقوقی مشخص گردد تا احتمال سوء استفاده احتمالی بعضی از والدین سهل‌انگار فراهم نگردد. نگارنده مقاله حاضر بر این باور است که قانون‌گذاران و مراجع قضایی می‌بایست در امر خطیر تربیت کودکان منفعلانه برخورد نکنند و همچنان که برای احقاق حقوق مادی کودکان دخالت می‌کنند برای استیفای حقوق معنوی تربیتی آن‌ها نیز وارد عمل شوند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۵). علل الشرائع، ج ۲. نجف: مکتبه الحیدریه.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۲). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: محمد رضا انصاری. قم: نسیم کوثر.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۰.ق). امالی الصدوق. بیروت: اعلی.
- ۶- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، ج ۲. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
- ۸- آمدی التمیمی، عبدالواحد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ۹- بیگ زاده، صفر (۱۳۸۹). مجموعه قوانین صبا. تهران: کلک صبا.
- ۱۰- جزری، ابن اثیر مبارک بن محمد (بی تا). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۱۱- جزری، ابن اثیر مبارک بن محمد (۱۴۰۹). اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲. بیروت: دارالفکر.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۳- جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح، ج ۲. بیروت: دارالعلم.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعه، ج ۶ و ۱۵. قم: آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- ۱۵- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین، ج ۳. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- ۱۶- حیدری، مسعود (۱۳۹۶). نخستین گام حمایتی از اطفال در سیاست جنایی اسلام، حمایت از مجاری پیدایش اطفال. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۸، ص ۸۰-۶۳.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۳). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه.
- ۱۸- زاهدی، عاطفه (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی. تهران: جاودانه.
- ۱۹- زینالی، امیر حمزه (۱۳۸۸). جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان. فصل‌نامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۵، ص ۶۱.
- ۲۰- شمس، عبدالله (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات دراک.
- ۲۱- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۰). حقوق مدنی اشخاص و محجورین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۲- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: المکتبه المرتضویه.
- ۲۴- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، ج ۳. قم: نشر هجرت.
- ۲۵- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶). الوافی، جلد ۲. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). فلسفه حقوق. تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ۲۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی خانواده. تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ۲۸- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، جلد ۶. تهران: دارالکتاب اسلامی.
- ۲۹- مطهری، مرتضی (بی‌تا). تعلیم و تربیت. قم: انتشارات صدرا.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۳۱- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: موسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة الاسلامی.
- ۳۲- مسعود، جبران (۱۳۷۶). فرهنگ الفبایی الرائد، ترجمه: رضا اترابی نژاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳۳- مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۴۲۹). المعجم الوسیط. تهران: موسسه الصادق.
- ۳۴- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منابع دیجیتالی**
- ۱- کلینیک حقوقی ایران (بی‌تا). وظایف والدین نسبت به کودکان از دیدگاه قانون مدنی [یادداشت وبلاگ]. بازیابی شده از <https://iranlawclinic.com/doc/9ade1d929>
- ۲- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۳). قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک [سامانه قوانین]. بازیابی شده از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>
- ۳- مبلغی، احمد (۱۳۹۵). خلاء مسأله تربیت کودکان در فقه [تارنمای خبرگزاری رسا]. بازیابی شده از <https://rasanews.ir/fa/news/446720>